

## بررسی و نقد فقهی بیمه در دولت اسلامی

اسماعیل پرور

عضو هیئت علمی

فرهنگستان علوم اسلامی

### چکیده

بیمه یک مسأله مهم اقتصادی و اجتماعی است که هم در علم فقه و هم در علم اقتصاد مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. در علم فقه تلاش شده تا پس از تبیین ماهیت بیمه، به عنوان یک مسأله مستحدثه، حکم شرعی آن بیان گردد؛ اما وجود ابهام در ماهیت این موضوع موجب اختلاف‌نظر گسترده فقها درباره بیمه شده است.

در علم اقتصاد از نقش بیمه در حمایت از اقشار آسیب دیده سخن به میان می‌آید و از ضریب پوشش صنعت بیمه به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه یاد می‌شود. براساس مطالعات انجام شده، صنعت بیمه یک رکن مهم نظام سرمایه‌داری است که اشکالات متعددی دارد و از جمله به عدالت اجتماعی آسیب می‌زند و اخلاق رذیله‌ای چون ترس و عدم خودباوری را در جامعه ترویج می‌کند تا مردم خود را تحت چتر حمایتی شرکت‌های بیمه قرار دهند و بخش مهمی از درآمدها را به این شرکت‌ها بپردازند.

در این مقاله مسأله بیمه با روش تحقیق تحلیلی نظری مورد بررسی قرار گرفته و ناهماهنگی آن با اصول و ارزش‌های دینی تبیین شده است.

**کلیدواژه‌ها:** بیمه، عقود شرعی، نظام سرمایه‌داری، عدالت اجتماعی.

## مقدمه

از میان مسائل مستحدثه‌ای که در چند قرن اخیر پدید آمده‌اند، مسأله بیمه از اهمیت خاصی برخوردار است. دلیل اهمیت این مسأله، پیچیدگی و گستردگی دامنه آن است. با این‌که مدت زیادی از پیدایش بیمه نمی‌گذرد، امروزه این صنعت همه بخش‌های جامعه را در بر گرفته است. هم‌اینک هیچ فعالیت خرد و کلان اقتصادی را نمی‌توان یافت که بیمه در آن حضور نداشته باشد، از واحدهای کوچک تجاری گرفته تا کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و مراکز فرهنگی، رفاهی، آموزشی، خدماتی و سیستم حمل و نقل، همه و همه تحت پوشش بیمه هستند و چندین نوع بیمه، اعم از بیمه درمان و بازنشستگی، بیمه عمر، بیمه شخص ثالث و بدنه خودرو، بیمه بیمارهای صعب‌العلاج، بیمه دام و محصولات کشاورزی، بیمه اخذ پروانه برای ساخت منزل، بیمه مهندسی، بیمه مسئولیت حرفه‌ای، بیمه آسانسور، بیمه وام‌های بانکی و... در آن‌ها رواج دارد.

با این حال، محققان پژوهشکده بیمه همچنان به دنبال طراحی انواع جدیدی از بیمه هستند تا دامنه عملکرد و پوشش این صنعت را افزایش دهند. مسؤولان اقتصادی کشور نیز با اشاره به این که در کشورهای پیشرفته ضریب پوشش بیمه بسیار زیاد است، خواستار گسترش دامنه فعالیت شرکت‌های بیمه شده‌اند. در چنین وضعیتی شایسته است که مسأله بیمه با دقت بیش‌تری مورد بررسی قرار گرفته و ابعاد و ویژگی‌های آن هم از لحاظ فقهی و هم از نظر اقتصادی بازنگری شود.

مهم‌ترین سؤالات درباره بیمه آن است که: جایگاه بیمه در علم فقه کجا است؟ نظر فقها درباره این موضوع چیست و مخالفان چه اشکالاتی را در مورد بیمه مطرح کرده‌اند؟ صنعت بیمه در اداره جامعه چه نقشی دارد؟ آیا استفاده از این صنعت به این نحو گسترده در جامعه اسلامی جایز است؟ در صورت هماهنگ نبودن صنعت بیمه با ارزش‌های دینی، طرح جایگزین اسلام برای آن چیست؟

**پیشینه بیمه در ایران:** سابقه فعالیت بیمه در ایران به صورت غیررسمی به حدود یک قرن پیش بازمی‌گردد. نخستین بار در سال ۱۲۸۹ شمسی، دو شرکت بیمه خارجی اقدام به تأسیس نمایندگی در ایران کردند و نخستین قانونی که در این باره به تصویب رسید، قانون مربوط به ثبت شرکت‌ها در سال ۱۳۱۰ بود. تأسیس شرکت سهامی بیمه ایران در آبان‌ماه ۱۳۱۴ و همچنین تصویب قانون بیمه در

اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۶ نقطه آغاز تحولات بازار بیمه در ایران است. نخستین شرکت بیمه خصوصی در ایران نیز در سال ۱۳۲۹ تأسیس شد و تا سال ۱۳۵۷ تعداد این شرکت‌ها به ۱۳ عدد رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت در چهارم تیر ۱۳۵۸ همه شرکت‌های بیمه را ملی اعلام کرد و بر پایه اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، تمامی فعالیت‌های بیمه‌ای زیر نظر دولت قرار گرفت. اما در سال ۱۳۸۱ دوباره رویکرد مسئولین در برخورد با مسأله بیمه تغییر کرد و قانون تأسیس شرکت‌های بیمه خصوصی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و فعالیت‌های این شرکت‌ها به موازات شرکت بیمه دولتی ایران آغاز شد. هم‌اکنون تعداد شرکت‌های بیمه به ۳۶ رسیده است.

**نخستین همایش درباره بیمه:** پس از پیروز انقلاب، به دلیل دغدغه ویژه‌ای که مردم و مسئولین برای اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی به‌جای مانده از نظام طاغوتی داشتند، همایش‌های متعددی برگزار شد. یکی از آن‌ها درباره بیمه و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی بود. در این همایش که در تیرماه ۵۹ و به همت اساتید و دانشجویان مدرسه عالی بیمه برگزار شد، شخصیت‌های بزرگی چون شهید مظلوم دکتر بهشتی و شهید باهنر حضور داشتند و مسأله بیمه را از زوایای مختلفی مورد بحث و گفت‌وگو قرار دادند.

نخستین سخنران این همایش شهید بهشتی بود. ایشان ضمن تأکید بر لزوم حمایت از اقشار محروم، به‌ویژه هنگام بروز حوادث طبیعی و اجتماعی، شیوه حمایت از این اقشار را مورد دقت قرار داده و این پرسش جدی را مطرح کردند که آیا در جامعه اسلامی، شیوه حمایت از محرومین حتماً باید از طریق بیمه صورت گیرد یا این که می‌تواند در قالب ارائه خدمات رایگان دولتی محقق شود؟

در ادامه ایشان به ارزیابی نحوه عملکرد شرکت‌های بیمه در دوران قبل از انقلاب پرداختند و با اشاره به این که صنعت بیمه امروزه به یک فعالیت بسیار پردرآمد تبدیل شده است، وضعیت کنونی بیمه را به دلیل درآمد بسیار زیاد و ارائه خدمات اندک، یک نحوه چپاولگری دانستند. ایشان در قالب یک مثال، شرکت‌های بیمه را به یک تلمبه مکنده تشبیه کردند که همچون شبکه بانکی، با مویرگ‌هایش خون مردم را می‌مکد؛ اما این خون را دوباره به بافت‌ها و اعضای جامعه منتقل نمی‌کند؛ بلکه آن را به یک انبار بزرگ می‌فرستد و در آنجا انباشته می‌کند. لذا این خون در آنجا لخته شده و موجبات ضعف و مرگ تدریجی مراکز فعال و مفید اقتصادی را فراهم می‌آورد.

شهید بهشتی برای مقابله با این وضعیت، پیشنهاد ملی شدن صنعت بیمه را مطرح کرده و مدعی می‌شود که اگر شرکت‌های بیمه دولتی باشند، درآمدهای هنگفت آن‌ها به بیت‌المال منتقل می‌شود و از آن‌جا دوباره به بدنه جامعه بازمی‌گردد و از این طریق زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی بهتر فراهم می‌شود: «تجربه نشان می‌دهد که شرکت‌های بیمه یکی از پردرآمدترین واحدهای اقتصادی هستند. به‌خصوص در پرتو بیمه‌های اجباری شرکت‌های بیمه به صورت یک شبکه شبیه شبکه بانکی در دنیا کار می‌کنند. عین این‌که شبکه بانکی دنیا مثل یک تلمبه مکنده است که با مویرگ‌هایش از بسیاری از افراد مردم خون می‌مکد و به یک انبار خون منتقل می‌کند که در آن خون می‌بندد و مرگ اقتصادی را فراهم می‌کند. بیمه‌ها این‌گونه هستند. بیمه‌ها در دنیای امروز مثل تلمبه‌های نیرومند برای گرفتن پول بیمه از افراد و پس دادن این پول به مقدار بسیار کمتری از آنچه گرفته‌اند، درآمده‌اند. البته بیمه‌ها خدمات خوبی می‌دهند؛ اما در ازای آن، پول بسیار هنگفتی دریافت می‌کنند. مثل دیگر خوب‌های دنیا که خوبی‌شان مورد قبول است؛ اما چپاول‌گری آن‌ها چگونه است؟ ما هنگام تنظیم قانون اساسی بیمه را جزو اقتصاد دولتی قرار دادیم. نمی‌دانم کار خوبی انجام دادیم یا خیر؟» (بهشتی، ۱۳۵۹: ۱۸).

در ادامه این همایش دکتر عبدالله جاسبی به سخنرانی پرداخته و همین ایده شهید بهشتی را مورد تأیید قرار داده است. ایشان ضمن بیان این نکته که مراکز اساسی و حیاتی اقتصاد باید همچنان دولتی بماند و از واگذاری آن به بخش خصوصی خودداری شود، به مضرات واگذاری این نوع امور حساس به بخش خصوصی اشاره می‌کند و آن را با عدالت اجتماعی و اقتصادی در تعارض می‌داند: «علت این‌که اقتصاد از جنبه‌های خصوصی به جنبه‌های دولتی و عمومی کشیده می‌شود به خاطر جلوگیری از استثمار است. آن‌ها که خیلی از شرکت‌های خصوصی و اقتصاد بازار دفاع می‌کنند، دو مزیت عمده برایش قائل هستند: یکی آزادی و دیگری کارایی یا بهره‌وری. در رابطه با مسأله اول که کشورهای غربی، آزادی را در چارچوب استثمار و استضعاف و استثمار ملت‌های دیگر و حتی ملت خود قرار داده‌اند و این آزادی نیست؛ اما مسأله دوم که در بخش خصوصی کارایی بیش‌تر دارد، به فرض که بپذیریم آیا می‌ارزد که این کارایی را داشته باشیم و در مقابل آن اختلاف طبقاتی فاحش باشد و آن استثمار و آن بهره‌کشی را داشته باشیم؟ آنچه که مسلم است این‌که اگر براساس اسلام نگاه کنیم، هیچ چیزی نمی‌تواند برای ما توجیه‌کننده استثمار

باشد. لذا بهترین راه این است که بیمه و سایر ثروت‌ها و رشته‌های حیاتی ثروت، ملی شود تا جلو استثمار و استعمار گرفته شود» (همان: ۱۱۴).

### بخش اول: بیمه در فقه

بیمه در علم فقه یک مسأله نوپدید و مستحدثه<sup>۱</sup> به شمار می‌آید. فقهای شیعه همواره نسبت به مسائل مستحدثه حساس بوده و تلاش کردند تا حکم شرعی این مسائل را از منابع دینی استنباط نمایند. مسأله بیمه نیز از بدو پیدایش مورد توجه فقها واقع شده و بحث‌های زیادی درباره ماهیت و احکام آن صورت گرفته است.

از لحاظ تاریخی اولین فقیهی که درباره بیمه سخن گفته مرحوم سید محمدکاظم یزدی (۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ ق) صاحب کتاب معروف «عروه‌الوثقی» است. این فقیه بزرگ در سراسر جهان مقلدان زیادی داشته و به پرسش‌های فقهی آن‌ها پاسخ می‌گفته است. در آن زمان یکی از مقلدان ایشان دو سؤال در رابطه با بیمه برای مرحوم سید ارسال می‌کند که یک سؤال آن در مورد بیمه کالا و دیگری درباره بیمه عمر است. مرحوم سید در پاسخ به این دو سؤال، چنین فتوا می‌دهد که قرارداد بیمه شرعی نبوده و باطل است. متن سؤال و جواب‌ها به این شرح است:

«س ۱. پرسش درباره بازرگانی است که به هندوستان می‌روند و اجناسی را می‌خرند. در آن‌جا کسانی هستند که اموال بازرگانان را در حمل و نقل به وطن‌شان در مقابل اجرت معلومی همانند صدی دو یا صدی سه به نسبت ارزش کالا تضمین می‌کنند. بدین‌گونه که اگر تلف و خسارتی به اموالش رسید، قیمت آن را به صاحبان کالا می‌پردازند. آیا این عمل جایز و حلال است؟ و آیا در این کار، بی‌اعتمادی به خداوند و تکیه بر مخلوق در حفظ مال نیست؟ لطف نموده از علمی که خداوند به شما آموخته بهره‌مندمان فرماید.

ج - معامله یاد شده شرعی نیست.

س ۲. نظرتان چیست درباره بعضی مردم که عمرشان را از مرگ، همانند در برابر ده هزار روپیه به مدت یک سال تضمین می‌کنند. او صد روپیه می‌پردازد و اگر مُرد، ضامن ده هزار روپیه به وارثان او می‌دهد و به همین صورت خانه‌ها را از آتش‌سوزی و مانند آن ضمانت می‌کنند.

---

۱. در علم فقه، مسائل یا موضوعاتی که مردم با آن‌ها روبرو هستند به دو دسته «کهن و مستحدثه» تقسیم می‌شوند. مسائل کهن، آن دسته از مسائلی هستند که از گذشته‌های دور وجود داشته و نام آن‌ها در منابع دینی آمده است. مانند آب، خون، شراب، بیع، ربا، شرکت...؛ مسائل مستحدثه نیز به آن دسته از مسائلی گفته می‌شود که به تازگی پدید آمده‌اند و نام آن‌ها در منابع دینی ذکر نشده است. مانند پیوند اعضا، شبیه سازی، معاملات اینترنتی، سفرهای فضایی، مالکیت معنوی، ذبح حیوانات با دستگاه، سرفقلی و...

ج- این معامله نیز فاسد و غیرشرعی است. اما تصرف در مالی که گرفته شده جایز است. چون دهنده آن راضی است. گرچه معامله فاسد است. خلاصه آن که معامله یاد شده فاقد جهت شرعی است؛ بلکه اگر به قصد مشروعیت باشد حرام نیز است» (یزدی، ۱۳۷۶: ۱۸۸).

پس از مرحوم یزدی باب گفت‌وگو درباره بیمه باز شد و هریک از فقها براساس مبنای فکری خود به بررسی این موضوع و اظهارنظر درباره آن پرداختند. البته فقهای بعدی هیچ‌یک از نظر سید تبعیت نکرده و قرارداد بیمه را باطل ندانستند، ولی درباره ماهیت بیمه دچار اختلاف نظر شدیدی شدند.

فقها در برخورد با مسأله بیمه به چند گروه تقسیم می‌شوند: گروه نخست تلاش می‌کنند تا این مسأله را به‌رغم آن که مسأله‌ای جدید و مستحدثه است، ذیل یکی از عقود رایج شرعی قرار دهند و آن را مصداقی از همان مفاهیم و عناوین شناخته‌شده فقهی معرفی کنند. گروه دوم بیمه را یک مسأله چند بعدی می‌دانند که از ترکیب چند عقد رایج فقهی پدید آمده است. گروه سوم مدعی هستند که بیمه یک موضوع جدید است که سابقه‌ای در منابع دینی نداشته و ذیل هیچ یک از عقود شرعی قرار نمی‌گیرد. لذا از آن به‌عنوان یک عقد جدید و مستقل یاد می‌کنند. از میان صاحب‌نظران گروه نخست می‌توان به اندیشمندانی چون مرحوم شیخ حسین حلی (۱۲۷۰-۱۳۵۳ ه.ش) اشاره کرد که از علمای بزرگ نجف بوده است. ایشان در کتاب «بحوث فقهیه» به بررسی مسائل مستحدثه و از جمله بیمه پرداخته و در پایان نتیجه گرفته است که بیمه زیرمجموعه «عقد ضمان» است و ویژگی‌های این عقد بر آن تطبیق می‌کند (حلی، ۱۳۸۴: ۳۴).

همچنین مرحوم آیت‌الله گلپایگانی بر این باور است که قرارداد بیمه زیرمجموعه عقد شرعی «صلح» قرار می‌گیرد و ویژگی‌های این عقد بر بیمه قابل تطبیق است (گلپایگانی، ۱۳۱۴: ۲۸۸۵). آیت‌الله وحید خراسانی در بحث بیمه از مفاهیمی چون تعهد و هبه یاد کرده‌اند، ولی در عین حال تأکید نموده‌اند که بهتر است این قرارداد در قالب عقد صلح اجرا شود: «می‌توان اقسام بیمه را از باب تعهد بیمه‌کننده و بیمه شونده، به پرداخت خسارت و مال معین قرارداد. هرچند احوط آن است که بیمه شونده مال معینی به بیمه‌کننده، صلح کند، به شرط آن که بیمه‌کننده خسارت احتمالی که معین شده جبران نماید. همچنین در صورتی که مال بیمه‌شونده، عین باشد، می‌توان عقد بیمه را به عنوان هبه به شرط تحمل خسارت احتمالی از جانب بیمه‌کننده انجام داد که بر بیمه‌کننده وفای به شرط واجب است» (وحیدی خراسانی، ۱۴۲۱: ۷۶۰).

عقد صلح به این دلیل که نسبت به سایر عقود شرعی، شرایط آسان‌تری دارد برای تنظیم این نوع قراردادها مناسب‌تر است، هرچند که برخی معتقدند کاربرد عقد صلح فقط برای رفع تنازع و اختلاف است و شمول آن بر عقد بیمه صحیح نمی‌باشد.

در این میان مرحوم آیت‌الله خوئی تلاش کردند تا بیمه را زیرمجموعه «عقد هبه» قرار داده و از این طریق به اشکالات وارده بر آن پاسخ دهند. البته از آن‌جا که هبه یک عقد جایز است، ایشان مسأله «هبه معوضه» یا «هبه مشروطه» را مطرح کردند تا دو طرف قرارداد بیمه ملزم باشند که چیزی به یکدیگر هدیه دهند: «می‌توان قرارداد بیمه را با تمام اقسام آن از باب هبه معوضه تصحیح کرد. به این معنا که بیمه‌شونده مبلغی را به طور ماهانه یا سالانه یا یک‌جا به بیمه‌گر هبه کند و در ضمن عقد بیمه، با بیمه‌گر شرط کند که در صورت بروز هر نوع خسارتی، بیمه‌گرها را جبران کند و بر بیمه‌گر نیز واجب است به این شرط وفا کند و خسارت وارده را جبران نماید. پس این عقد بیمه به تمام اقسام آن یک نوع هبه معوضه بوده و جایز و صحیح است» (خوئی، ۱۴۱۲: ۵۵۳).

مرحوم آیت‌الله حکیم بیمه را مصداقی از «عقد جعاله» دانسته‌اند. البته از آن‌جا که تحقق عقد جعاله منوط به انجام یک کار و فعالیت از سوی عامل است، ایشان صحت عقد بیمه را مشروط به آن دانسته‌اند که بیمه‌گر در مقابل اجرتی که از بیمه‌گذار دریافت می‌کند، کاری برای او انجام دهد و به صورت نمونه؛ از اموال او مراقبت و نگهداری کند (حکیم، ۱۳۵۳: ۱۵۳).

از میان فقهای گروه دوم که بیمه را یک عقد ترکیبی می‌دانند، می‌توان به آیت‌الله سند اشاره کرد که معتقد است بیمه از ترکیب دو عقد «اجاره و بیع» یا «اجاره و ضمان» پدید آمده است (سند، ۱۳۹۷).

گروه سوم از فقها بیمه را یک امر مستقل می‌دانند که زیرمجموعه هیچ یک از عقود شرعی قرار نمی‌گیرد. از نظر این گروه، نه ویژگی‌های عقود چون صلح، هبه، ضمان، تعهد و جعاله بر بیمه قابل تطبیق است و نه بیمه، محصولی از ترکیب چند عقد است؛ بلکه بیمه یک موضوع جدید و یک عقد مستقل است. این دیدگاه، نخستین بار از سوی امام خمینی (ره) در سال‌های اولیه دهه چهل در درس خارج فقه ایشان مطرح شده است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵۹: ۲۲۷) و امروزه بیش‌تر فقهای معاصر همین دیدگاه را پذیرفته‌اند. مرحوم آیت‌الله فاضل لنگرانی در این باره می‌نویسند: «بیمه عقد مستقلی است و احکام خاص خود را دارد و شرایط عقود بیع یا اجاره یا مضاربه در آن جاری نیست» (فاضل لنگرانی، ۱۳۸۳، ۲: ۲۹۳). آیت‌الله مکارم شیرازی هم نظر خود درباره

بیمه را این‌گونه بیان کرده‌اند: «بیمه قراردادی است که بین بیمه‌کننده و شرکت یا شخص بیمه‌گر [انجام می‌گیرد] و معامله و قرارداد مستقلی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹: ۴۸۰). آیت‌الله سبحانی نیز در این باره می‌فرماید: «بیمه نه از قبیل مضاربه است، نه جعاله، نه صلح و نه چیزهای دیگر. انسان باید متن مسأله را مطالعه کند و ببیند عرف چه می‌گوید. بسیاری از آقایان می‌خواهند برای مسأله راه‌حلی درست کنند؛ در حالی که آن راه‌حل اصلاً در ذهن طرفین (بیمه‌گزار و بیمه‌گر) هم خطور نمی‌کند» (سبحانی، ۱۳۸۸). آیت‌الله جوادی آملی معتقد است بیمه زیرمجموعه هیچ یک از عقود شرعی قرار نمی‌گیرد؛ بلکه یک شرط ابتدایی یا تعهدی است که بیمه‌گر و بیمه‌گزار بین خود ایجاد می‌کنند: «بیمه، بیع نیست، اجاره نیست، صلح نیست، عقود دیگر نیست؛ بلکه یک شرط یا تعهد ابتدایی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

۱- از مصادیق عقود غیرشرعی و باطل است. (سید محمدکاظم یزدی)	دیدگاه فقها درباره بیمه
۲- از مصادیق هیچ یک از عقود شرعی نیست؛ بلکه یک عقد مستقل و جدید است. (امام خمینی و بسیاری از فقهای معاصر)	
۳- از مصادیق عقد صلح است. (آیت‌الله گلپایگانی)	
۴- زیرمجموعه عقد ضمان است. (شیخ حسین حلّی)	
۵- زیرمجموعه جعاله است. (آیت‌الله سید محسن حکیم)	
۶- زیرمجموعه هبه معوضه است. (آیت‌الله خوئی و میرزا جواد تبریزی)	
۷- از مصادیق عقود تلفیقی است که مرکب از اجاره به شرط بیع یا اجاره به شرط ضمان است. (آیت‌الله شیخ محمد سند)	
۸- از مصادیق عقود شرعی نیست؛ بلکه یک شرط ابتدایی است. (آیت‌الله جوادی آملی)	

### ۱. اشکالات مطرح شده درباره بیمه

در برخورد با مسأله بیمه، برخی صاحب‌نظران به مخالفت با این مسأله پرداخته و اشکالاتی را به عقد بیمه وارد کرده‌اند. اشکالات مطرح شده درباره بیمه، متعدد و مختلف است؛ اما وجه مشترک این اشکالات آن است که اگر بیمه یک نوع عقد یا قرارداد باشد، باید اصلی‌ترین شروطی را که اسلام برای هر عقد تعیین کرده است، دارا باشد. حال آن‌که این شروط در قرارداد بیمه مشاهده نمی‌شود: «برخی از مخالفان، قرارداد بیمه را یک «عقد اجباری» یا «عقد غرری» یا «عقد تعلیقی» غیرمنجّز می‌دانند و برخی



دیگر آن را نمونه‌ای از «اکل مال بالباطل» یا «معامله بر معدوم» یا «استفاده بلاجهت» یا «التزام ما لم یلزم و ضمان ما لم یجب» معرفی می‌کنند و برخی نیز آن را در ردیف «قمار و شرط‌بندی»، «ربا»، «قراردادهای شبهه‌ناک» و «قراردادهای مبتنی بر احتمال جهل به عوضین» قرار می‌دهند» (ن.ک. پبله‌ورد، ۱۳۸۹).

بررسی هریک از این اشکالات نیاز به فرصت زیادی دارد که از حوصله این گفتار خارج است. لذا در این جا فقط به بیان چند اشکال کلی اکتفا می‌شود.

### ۱.۱. بیمه یک قرارداد اجباری

یکی از ویژگی‌های عقود صحیح آن است که اختیاری بوده و هیچ یک از طرفین مجبور به انعقاد عقد نباشند. این در حالی است که بسیاری از انواع قراردادهای بیمه اجباری هستند و شخص بیمه‌گذار نه در اصل انعقاد قرارداد و نه در نحوه تنظیم مفاد قرارداد هیچ‌گونه اراده و اختیاری ندارد. به تعبیر برخی از نویسندگان: «بیمه از عقود اذعانی است؛ یعنی شرایط بیمه معمولاً از سوی بیمه‌گر که دست بالاتر را دارد، بر بیمه‌گذار تحمیل می‌شود و بیمه‌گذار چاره‌ای جز پذیرفتن و تسلیم در برابر همه این شروط، یا نپذیرفتن همه آن‌ها ندارد. بیمه‌گذار بدون این که امکان دخل و تصرف و جرح و تعدیلی در آن شروط داشته باشد تسلیم شروط طرف دیگر است و چه بسا این شروط برای بیمه‌گذار، تحکیم‌آمیز باشند» (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۵۰). به عنوان مثال؛ وقتی یک نفر بلیط قطار یا هواپیما می‌خرد یا کارت ورود به استخر یا سالن ورزشی می‌گیرد یا فرزند خود را در مدرسه یا دانشگاه ثبت‌نام می‌کند، بخشی از مبلغی که می‌پردازد مربوط به بیمه است. هرچند که خود فرد از این موضوع ناراضی بوده و یا حتی از آن بی‌اطلاع باشد.

مهم‌ترین دلیل اجباری بودن بیمه، عدم استقبال مردم از بیمه‌های اختیاری است. مثلاً بیمه عمر، یک بیمه اختیاری است. لذا استقبال مردم از این نوع بیمه، در مقایسه با بیمه‌های اجباری، بسیار کمتر است. همچنین بیمه روستائیان یک بیمه اختیاری است که چندان مورد استقبال واقع نشده است. در همین رابطه مدیر عامل انجمن رفاه و تأمین اجتماعی می‌گوید: «در زمان نوشتن آئین‌نامه بیمه روستائیان این بحث مطرح بود که آیا این نوع بیمه اختیاری باشد یا اجباری. من در آن زمان معتقد بودم که اصولاً بیمه‌های اجتماعی نمی‌توانند اختیاری باشند. این موضوع در دنیا نیز ثابت شده است که برای بیمه‌های بزرگ و پایه‌ای کمتر واژه اختیاری استفاده می‌شود و باید به صورت اجباری آن را اجرا کرد» (اورنگ، ۲۰۱۰).

از نظر مخالفان، تمامی بیمه‌های اجباری را باید باطل و غیرقبول دانست. چون فاقد یکی از مهم‌ترین شرایط عقود شرعی هستند. به عبارت دیگر، قرارداد بیمه، مصداق «تجاره عن تراض» (نساء: ۲۹) نیست. وقتی مالک یک خودرو به سراغ شرکت بیمه می‌رود تا با این شرکت قرارداد ببندد، او هیچ قدرت و اختیاری ندارد و درباره هیچ بندی از این قرارداد نمی‌تواند چانه‌زنی کند؛ بلکه مجبور است که اولاً این قرارداد را امضا کند و ثانیاً تمام شروط شرکت بیمه را یک طرفه بپذیرد. لذا نمی‌توان این قرارداد را مصداقی از تجاره عن تراض دانست.

همچنین بیمه‌هایی که برای کودکان و دیوانگان صورت می‌گیرد، باطل است. چون یکی دیگر از شروط هر عقد شرعی که بلوغ و عقل است، در بیمه کودکان و دیوانگان وجود ندارد.

### ۱،۲. بیمه یک معامله غرری

اشکال دیگری که به قرارداد بیمه گرفته شده، این‌که بیمه یک «معامله غرری» است. غرر در لغت به معنای خدعه و خطر است و در یک معامله هنگامی تحقق می‌یابد که متعلق آن مجهول باشد به نحوی که از ناحیه این جهل، احتمال ضرر برای یکی از طرفین وجود داشته باشد. از نظر مخالفان در عقد بیمه، غرر و جهل در هر دو طرف عقد وجود دارد. چون نه بیمه‌گزار می‌داند چه زمان و چه نوع خسارتی بر او وارد خواهد شد و اصلاً آیا حادثه‌ای روی می‌دهد یا خیر و او چیزی از شرکت بیمه بابت جبران خسارت دریافت می‌کند یا خیر، و نه بیمه‌گر می‌داند که آیا این فرد دچار خسارت می‌شود یا خیر و اگر خسارتی به او وارد شود، میزان این خسارت چه مقدار خواهد بود. یعنی طرفین معامله مجهول است.

استاد شهید مرتضی مطهری این اشکال را این‌گونه تقریر کرده است: «در باب بیمه ممکن است کسی بگوید این عقد، معاوضه‌ای است میان دو امر مالی. از یک طرف حق بیمه‌ای که بیمه‌گزار می‌دهد و از طرف دیگر آن پول احتمالی که بیمه‌گر تعهد کرده در صورت خسارت بپردازد، در این صورت دو طرف می‌شود پول. اگر واقعاً ماهیت بیمه معاوضه میان این دو چنین پولی است، این معامله روی اصول فقهی باطل است. زیرا یکی از آن موانع را دارد. یعنی یک امر مجهول است شبیه قمار. چون حق بیمه‌ای که من می‌دهم معلوم است؛ ولی در مقابل چه می‌گیرم؟ آیا می‌گیرم یا نمی‌گیرم؟ آیا در این مدت اصلاً خسارتی بر من وارد خواهد شد که از او چیزی بگیرم یا نه؟ اصلش مجهول است. به

علاوه بر فرض این که در طول این مدت خسارتی وارد شود، این خسارت چقدر خواهد بود؟ هم اصلش که من چیزی از او می‌گیرم یا نمی‌گیرم، مجهول است و هم مبلغش» (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۰۳).

اما این اشکال مورد قبول طرفداران بیمه قرار نگرفته و آن‌ها نپذیرفته‌اند که بیمه یک معامله غری است. از نظر آن‌ها قرارداد بیمه، یک معاوضه مالی نیست؛ بلکه معامله‌ای است که از یک طرف بیمه‌گزار پول می‌پردازد و از طرف دیگر، شرکت بیمه، تعهد و اطمینان می‌دهد که خسارت واردشده به بیمه‌گزار را جبران کند. یعنی در این معامله، «پول» در مقابل «تعهد و ایجاد اطمینان» است.

استاد شهید مرتضی مطهری این پاسخ را این‌گونه شرح می‌دهد: «ولی اگر ماهیت بیمه آن چیزی باشد که ما عرض کردیم، در واقع بیمه، معامله میان دو پول نیست که بعد بگوییم یک طرفش مجهول است یا نه؛ بلکه جنبه عقلایی بیمه، تأمین پیدا کردن از ورشکستگی، تحمل خسارت زیاد، بیچارگی در زمان از کار افتادگی و... می‌باشد. پولی که بیمه‌گر می‌دهد، طرف معامله و یکی از عوضین نیست؛ بلکه خود تأمین است. همان تعهدش ارزش دارد. در مقابل این تعهد، بیمه‌گزار حق بیمه می‌دهد. بیمه‌گزار پول می‌دهد که ارزش مادی دارد و بیمه‌گر تعهد می‌کند و این تعهد یک امر مشخص است. اگر عقلاً یک چنین معامله‌ای را اختراع کرده باشند که در مقابل تعهد، پول بدهند، چون تعهد یک امر مشخصی است، هیچ یک از موانعی که در فقه بیان شده در این جا وجود ندارد و معامله صحیحی است. بنابراین، یکی از مشکلاتی که در باب بیمه هست یعنی مشکل مجهول بودن، به این طریق حل می‌شود» (همان: ۳۰۴).

یکی از طرفداران بیمه در پاسخ می‌گوید: «این اشکال مهمی است که پاسخ آن را در کتاب «معتمد تحریرالوسیله» به صورت مفصل بیان کرده‌ام. چون آنچه که سازمان بیمه به عنوان عوض به بیمه‌گزار می‌دهد، مبلغ خسارت نیست؛ بلکه اطمینان و امنیت مالی است. به عبارت دیگر، عوض، همان خاطر جمعی و اطمینان قلبی و نداشتن نگرانی نسبت به مالش است. در واقع بیمه‌گر اطمینان دارد که مثلاً وسیله نقلیه‌اش حفظ می‌شود و در قبال این حفظ شدن مالیت مال و اطمینان به این که هیچ نگرانی بابت از دست دادن آن به موجب بروز حوادث ناخواسته ندارد، باید مبلغی را پرداخت کند و این مسئله کاملاً عقلایی است. شاهد بر این مدعا خود اقدام عقلاً بر بیمه کردن اموالشان است. ضمن این که ارزش وسیله بیمه شده از نظر عقلاً بیش‌تر از همان وسیله است؛ در صورتی که بیمه نداشت. یعنی همین امنیت و اطمینان مالی، از نظر عقلاً ارزش مالی دارد» (ظهیری، ۱۳۹۷).

اما مخالفان، این نظر را نپذیرفته‌اند. از نظر آن‌ها متن قراردادهای بیمه و فهم عرف از این قراردادها بیانگر آن است که در عقد بیمه، عوض و معوض فقط مال است. یعنی بیمه‌گذار پول می‌دهد تا در قبال آن در هنگام حادثه پول دریافت کند. لذا این ادعا که بیمه‌گذار پول می‌دهد تا در قبال آن احساس امنیت و آرامش دریافت کند، به هیچ عنوان صحیح نیست. در هنگام بروز حادثه اگر شرکت بیمه برای جبران خسارت وارده، پولی پرداخت نکند، دردی از بیمه‌گذار دوا نخواهد شد. لذا اگر عوض و معوض در عقد بیمه، پول نباشد، هیچ فردی حاضر به امضای قرارداد بیمه نمی‌شود و هرگز قبول نمی‌کند که فقط در قبال احساس امنیتی که شرکت بیمه به او القا می‌کند، حق بیمه بپردازد.

بنابراین، عوض و معوض در قرارداد بیمه، مثل همه قراردادهای دیگر، باید «پول در برابر پول» یا «پول در برابر خدمت» باشد؛ حال آن‌که تعهد کلی یا القای حس امنیت، نه پول است و نه خدمت. حقوق‌دان برجسته حجت‌الاسلام سید محمد خامنه‌ای در این باره می‌گوید: «علی‌رغم فتوایی که فقهای بزرگ ما در رساله‌هایشان بر جواز بیمه داده و آن را جایز شمرده‌اند، به نظر من قرارداد بیمه، معامله باطلی است و مصداق «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» است. یکی از دلایل این امر، وجود «غرر» است. یعنی مغرور کردن طرف معامله که از آفات است. دیگر جهل در طرفین قرارداد است که وجود آن در بیمه خیلی روشن است. زیرا که نه بیمه‌گذار و نه بیمه‌گر هیچ‌کدام به حدود خطر و وجود خطر علم ندارند. یعنی از نظر آن‌ها وجود و عدم آن مجهول است. اساساً در بیمه شرطی است که یک خطری وجود داشته باشد و طرفین هر دو ریسک کنند. البته درصد این ریسک با توجه به احتمالات کم‌وزیاد می‌شود؛ ولی با تمام این‌ها هیچ‌کدام نمی‌توانند قطعاً آن و حدودش را پیش‌بینی کنند. بنابراین، مبلغی که پرداخت می‌شود، حدودش یا کمتر از آن و یا بیش‌تر از آن است که عوض آن قرار خواهند داد و خود ریسک «اقتحام در خطر» یعنی در خطر افتادن و خود را به آب و آتش زدن در اسلام اجر و مزد ندارد. یعنی در مقابل آن نمی‌توان پول پرداخت. بنابراین، موضوعی که بیمه خصوصی دارد درست همان است که در فقه مردود است و غرر یا جهل به طرفین معامله و همچنین شکل کلی قمار (حالا میسر شاید نباشد، اما قمار به معنای عمومی‌اش) هست. یعنی مبادله دو چیز و معاوضه روی احتمال طرفین، این هم نوعی قمار است و عجیب است که حقوق‌دانان مسلمان غیرایرانی عرب نوعاً طرفدار ردّ این هستند و فقهای ما ساده آن را پذیرفته‌اند.

من معتقد هستم که فقهای ما بدون توجه به موضوع بیمه آن را پذیرفته‌اند. یعنی اگر بیمه را برای آن‌ها درست تعریف کنیم، حکم دیگری خواهند داد» (خامنه‌ای، ۱۳۵۹: ۶۵).

### ۱.۳. بیمه یک معامله سفهی

اشکال دیگری که به عقد بیمه گرفته شده، این‌که بیمه یک معامله سفهی است و جنبه عقلایی ندارد. دلیل سفهی بودن این معامله از سوی بیمه‌گزار آن است که گاه فردی سال‌ها پول بیمه می‌پردازد بدون آن‌که یک ریال از شرکت بیمه دریافت کند. مواردی وجود دارد که در بیمه خودرو، برخی افراد در طول چندین سال مبلغی را بیش از قیمت اصل خودرو به شرکت بیمه پرداخته‌اند به امید آن‌که اگر روزی به خودروی آن‌ها خسارتی وارد شد، شرکت بیمه آن را جبران کند؛ اما هنوز نه خسارتی روی داده و نه مبلغی را دریافت کرده‌اند و این جریان همچنان ادامه دارد. دلیل سفهی بودن این معامله از سوی شرکت بیمه هم آن است که شرکت‌های بیمه در قبال دریافت یک وجه اندک از بیمه‌شونده، تعهد می‌کنند که مبلغ زیادی را به او بپردازند. روشن است که این کار نمی‌تواند یک عمل عقلایی محسوب شود.

آیت‌الله جعفر سبحانی در جریان پاسخ‌گویی به اشکالات وارده به عقد بیمه، این اشکال را مطرح نموده و در پاسخ می‌گوید که اگر قرارداد بیمه فقط بین شرکت بیمه با یک نفر منعقد شود، این قرارداد اشکال دارد. چون ممکن است شرکت بیمه ناچار به پرداخت خسارت زیادی شود و ضرر کند. به عبارت دیگر، اگر این قرارداد را فردی ملاحظه کنیم، اشکال سفهی بودن به آن وارد است. اما اگر قراردادهای شرکت بیمه را روی هم لحاظ کنیم، در مجموع شرکت بیمه ضرر نمی‌کند و معامله او سفهی نخواهد بود: «اگر هم بیمه‌گر و هم بیمه‌گزار یک نفر باشند و دو نفر عقد را بخوانند، مشکل است. چون هیچ‌کدام نمی‌داند که چه مقدار گیش می‌آید و چه مقدار می‌پردازد. اگر بیمه‌گر یک نفر باشد و فرد واحدی را بیمه کند، اشکال وارد است. ولی بیمه‌گر یک نفر نیست؛ بلکه یک اداره است با مشتری‌های فراوان. لذا اگر روی هم حساب کنید، می‌بینید که او نیز در همه حال سودی گیش می‌آید و خاطرش جمع است. بنابراین، نباید مسأله را از نظر فردی مطالعه کرد. چون اگر از نظر فردی مطالعه کنیم و انسان با فرد، معامله بیمه را انجام دهد، معامله سفهی خواهد بود. اما اگر بیمه‌گر یک اداره است و باید همه ماشین‌ها در آن‌جا بیمه شوند، همه کشتی‌ها در آن‌جا بیمه شوند، در این صورت اداره بیمه خیالش آسوده است. چون از میان صد نفر

مشتری ممکن است اموال پنج نفر آن‌ها غرق شود؛ اما ۹۵ نفر دیگر برایش می‌ماند و قهراً بیمه‌گر در هر حال برنده است؛ چه کشتی‌ها غرق شود و چه غرق نشود» (سبحانی، همان).

اما مخالفان بیمه این پاسخ را نپذیرفته و معتقدند که برای اثبات صحت عقد بیمه از نظر فقهی، ابتدا باید قرارداد بیمه را در سطح خرد و بین دو نفر بررسی کرد تا در صورت هماهنگی با ضوابط فقهی، نوبت به بررسی سطح کلان برسد. وقتی یک قرارداد در سطح خرد عاقلانه نبوده و اجمال و ابهام داشته یا سفهی باشد، چگونه می‌تواند در سطح کلان صحیح و مطابق با ضوابط فقهی باشد؟ به تعبیر دیگر، چگونه ممکن است تک‌تک اجزای یک مجموعه با احکام شرع مخالف باشد؛ اما کلیت آن با شرع سازگار شود؟

در مجموع به نظر می‌رسد که اختلافات گسترده فقها درباره بیمه ناشی از ضعف در موضوع‌شناسی و عدم شناخت دقیق ماهیت این مسأله نوپدید است.

### بخش دوم: بیمه در اقتصاد

برای شناخت دقیق‌تر بیمه باید به نقشی که در اقتصاد جامعه ایفا می‌کند، توجه نمود. به هر حال، بیمه یک نهاد اقتصادی است و در کنار سایر نهادهای اقتصادی فعالیت‌های خاصی را انجام می‌دهد. البته روشن شدن نقش بیمه در اقتصاد، نیازمند «نگاه کلان» به این موضوع است. «نگاه کلان» نوعی روش برخورد با مسائل است که در مقابل «نگاه خرد» مطرح می‌شود.

نگاه خرد دو ویژگی عمده دارد: ۱- همیشه موضوع را به عنوان یک مسأله مبتلا به فرد لحاظ می‌کند و درصدد مشخص ساختن تکلیف تک‌تک افراد در برخورد با این مسأله است. ۲- موضوع را به صورت انتزاعی لحاظ می‌کند و آن را جدا و مستقل از سایر موضوعات مورد مطالعه قرار می‌دهد.

نگاه کلان به دو ویژگی دیگر تکیه کرده است: ۱- موضوع را به عنوان یک مسأله مورد نیاز حکومت در امر اداره جامعه لحاظ می‌کند و به همین دلیل با نگاه حکومتی و مدیریتی به مسائل می‌نگرد. ۲- در پی آن است تا هر موضوع را در ارتباط با سایر موضوعات و در قالب یک کل یا مجموعه مرتبط و منسجم ملاحظه کرده و از نگاه انتزاعی به موضوعات بپرهیزد.

در نگاه خرد، بیمه یک نوع قرارداد است که بین دو نفر، یعنی بیمه‌گذار و بیمه‌گر منعقد می‌شود. لذا مهم‌ترین سؤال آن است که این قرارداد مصداق کدام یک از عقود شرعی است و

شکل صحیح تنظیم این قرارداد برای دو طرف عقد چگونه است؟ اما در نگاه کلان، بیمه به عنوان یک صنعت بزرگ یا یک طرح فراگیر اجتماعی شناخته می‌شود که قرار است در امر اداره جامعه نقش ویژه‌ای ایفا کند. لذا نوع سؤالاتی که درباره آن طرح می‌شود، فرق می‌کند. از جمله این که جایگاه این صنعت کجا است؟ کارکرد اصلی آن در جامعه چیست و به صورت خاص آیا حکومت دینی می‌تواند از این طرح برای اداره جامعه اسلامی استفاده کند یا خیر؟

نگاه کلان به موضوعات اجتماعی می‌تواند آثار و فواید زیادی به دنبال داشته باشد. به همین دلیل باید تلاش کرد تا «روش کلان‌نگری» در حوزه‌های علمی به بیش‌تر رواج یابد. در همین رابطه یکی از اساتید حوزه، اهمیت نگاه کلان به بیمه را یادآور شده و می‌گوید: «متأسفانه خیلی از چیزهایی که دارای حکم اجتماعی است و باید در فقه‌الولایه و فقه‌الحکومه بحث شود، با فقه فردی قاطی شده است. مسأله عمل به مکروه و مستحب یک موضوع است، مسأله تعلیم و تربیت جوامع در مدار اخلاق و آداب اسلامی یک موضوع دیگر. این‌ها دو حیث و دو فعل و دو فاعل است. صورت یک فعل است؛ اما در واقع فعل والی با فعل موکلی علیه دو تا است. ولی متأسفانه این در خیلی جاها قاطی شده است.

مسأله بیمه هم بالاتر از دایره فقه فردی است. خود بیمه الآن یک علم شده است. من حدود ۳۵ سال پیش این موضوع را خیلی دنبال کردم. این رشته خودش یک حکومت‌رانی است. بیمه یک حکومت است. یک صنعت است. یک تجارت است. خیلی قدرت پولی دارد. خیلی قدرت سیاست‌گذاری دارد. خیلی قدرت پرورشی دارد. نخبگان خیلی باید در این رابطه مطالعه داشته باشند. حتی باید با قوه قضائیه همکاری داشته باشند و با وزارت بهداشت، آموزش و پرورش و وزارتخانه‌های دیگر مرتبط باشند. چرا؟ چون حجم پول بالا است و پول‌هایی دست این‌ها است که توان کنترل کردن جامعه را دارد. بیمه مثل یک حکومت کوچک است و شوخی نیست. لذا جا دارد مطالعات بسیاری پیرامون آن از جهت فقه دولتی و حکومتی انجام شود» (سند، همان).

یکی دیگر از نویسندگان با اشاره به همین امر، یعنی موضوع‌شناسی بیمه از زوایای جدید می‌نویسد: «غالب فقهای مسلمان معاصر در مواجهه با عقد بیمه غربی، فقط به برخی از جنبه‌های ظاهری آن توجه کرده و از لوازمی که رواج این عقد در جامعه به دنبال دارد، غافل گشتند. در حالی که فقها، مخصوصاً فقیه حاکم و فقهای متعهد نسبت به حکومت اسلامی وظیفه دارند که دامنه تحقیقات خود را از تحلیل متون قانونی به لوازم مصادیق خارجی نیز توسعه داده و

موضوع‌شناسی مصداقی را تا حد امکان پیش برند. فقهی که خود را متعهد به این نوع از موضوع‌شناسی بداند دیگر در مواجهه با موضوع عقد بیمه، فقط به ادله‌ای از قبیل «اوفوا بالعقود» و «قیح عقاب بلایین» رجوع نکرده و حجم بیش‌تری از ادله را در رابطه با موضوع مورد نظر بررسی خواهد نمود. به‌عنوان مثال؛ گفته می‌شود که با رواج بیمه، آمار تصادفات افزایش یافته است. همچنین با رواج بیمه، شور و نشاط کشاورزان کاهش یافته است. چون در صورتی که درختان محصول ندهند، بیمه مؤظف است هزینه آن‌ها را جبران نماید. جالب است که در پروتکل‌های منتشر شده از صهیونیست‌ها، بر ترویج بیمه در کشورهای اسلامی تأکید شده است» (وکیلی، ۱۳۹۹، ۳: ۱۹۹).

### ۱. شاخص‌های نگاه کلان به بیمه

مدل اجمالی نگاه کلان به موضوعات با بررسی سه پارامتر مهم شکل می‌گیرد: ۱- فلسفه پیدایش موضوع؛ ۲- نحوه ارتباط آن با عدالت اجتماعی؛ ۳- میزان تأثیر موضوع بر فضایل اخلاقی.

۱.۱. فلسفه پیدایش بیمه: برای دست یافتن به یک نگاه کلان نسبت به مسأله بیمه در گام نخست باید فلسفه پیدایش بیمه را مورد دقت قرار داد. یعنی صنعت بیمه به چه دلیل تشکیل شده و هدف یا انگیزه اولیه از تأسیس این صنعت چه بوده است؟ به هر حال، شکی نیست که بیمه جزو مسائل مستحدثه است و تا چند قرن قبل به هیچ‌عنوان موضوعی به نام بیمه با این مشخصات وجود نداشت؛ اما از یک مقطع زمانی خاص، احساس نیاز به بیمه پدید آمد و سپس این صنعت تأسیس شد. البته در طول چند قرن گذشته، صنعت بیمه ثابت نمانده، بلکه تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته تا به وضعیت تکامل یافته کنونی رسیده است.

در نگاه کلان این امر یعنی «پیدایش، تغییرات و تکامل» صنعت بیمه از اهمیت خاصی برخوردار است و باید به دقت مطالعه شود. در نگاه خرد، این مسأله چندان مهم نیست و معمولاً هیچ‌یک از فقها به فلسفه پیدایش بیمه توجهی نمی‌کنند. چون این مسأله در حکم فقهی بیمه تأثیری ندارد؛ اما در نگاه کلان برای دست یافتن به یک نگاه کلی از صنعت بیمه و آشنایی با نقش و جایگاه آن در امر اداره جامعه، آگاهی از فلسفه پیدایش بیمه ضروری است.



۱.۱.۱. بیمه یک رکن نظام سرمایه‌داری: در جریان بررسی فلسفه پیدایش بیمه، نخستین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که بیمه، مولود نظام سرمایه‌داری است. یعنی صنعت بیمه در دل این نظام پدید آمده و هدف از پیدایش آن رفع نیازهای اختصاصی نظام سرمایه‌داری بوده است. البته بعداً صنعت بیمه در بقیه کشورها نیز رواج یافته است؛ اما نقطه پیدایش و ضرورت تأسیس این صنعت، به نظام سرمایه‌داری و مشکلات خاص این نظام بازمی‌گردد. لذا برای آشنایی با فلسفه پیدایش بیمه باید پیشینه این صنعت در نظام سرمایه‌داری و کارکرد اصلی آن در حل معضلات این نظام مادی را مورد دقت قرار داد؛ اما قبل از آن لازم است توضیحاتی هرچند اجمالی درباره نظام سرمایه‌داری و ویژگی‌های اصلی آن بیان شود تا در ادامه بتوان جایگاه بیمه در این نظام را بهتر تبیین نمود.

۱.۱.۲. سیمای اجمالی نظام سرمایه‌داری: سرمایه‌داری یک نظام اقتصادی - اجتماعی ویژه و بلکه یک مکتب فکری و رفتاری خاص است که بر پایه برخی تفکرات مادی در جهان غرب پدید آمده و امروزه علاوه بر آمریکا و اروپا در بسیاری از نقاط دیگر جهان نیز رواج یافته است. زیربنای مکتب سرمایه‌داری «آزادی بی‌قید و شرط فردی» و به تبع آن «مالکیت بی‌حد و حصر بخش خصوصی» است که از راه محترم شمردن تمامی اموال و سرمایه‌های افراد و شرکت‌ها تحقق می‌یابد.

در نظام سرمایه‌داری، افراد می‌توانند در چارچوب قانون‌های کلی، از هر راهی که مایل باشند اقدام به کسب مال و ثروت کنند و سپس از سرمایه‌های به دست آمده، محافظت نموده و آن را گسترش دهند. در این نظام، همان‌گونه که از نام آن پیدا است، پول و سرمایه از ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که سایر اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی در ذیل این ارزش کلی، معنا یافته و تعریف می‌شوند. یعنی هرچه که به افزایش سرمایه کمک کند، ارزش است و هرچه که مانع افزایش سرمایه گردد، ضدارزش به شمار می‌آید.

نظام سرمایه‌داری برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود از دو اصل اساسی کمک می‌گیرد. اصل نخست مسأله «ربا» است. ربا یا بهره به این معنا است که پول یا سرمایه از ارزش و احترام ویژه‌ای برخوردار است و لذا در طول زمان باید به آن سود تعلق گیرد. به عبارت دیگر، سرمایه ذاتاً دارای حق ارزش‌افزوده است و باید همواره رو به گسترش بوده و حجم آن افزایش یابد.

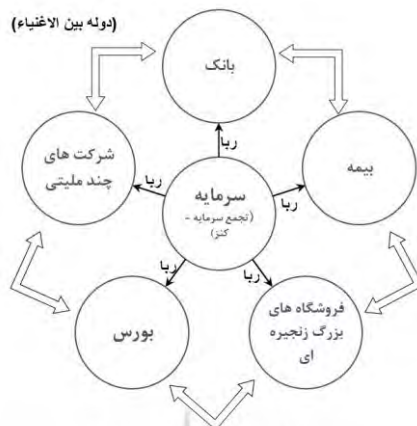
اصل دوم، مسأله انباشت ثروت یا «تمرکز سرمایه» است که در ادبیات دینی از آن به عنوان «کنز» یاد می‌شود. وقتی سرمایه مبدأ پیدایش حق باشد، تمرکز و تجمع آن، حق بیش‌تری را به ارمغان می‌آورد. لذا در نظام سرمایه‌داری، هرکس که سرمایه بیش‌تری دارد، از حق و حقوق اجتماعی و قدرت سیاسی زیادتری برخوردار است. به عبارت دیگر، حق حاکمیت و فرمانروایی در این نظام از آن سرمایه‌داران بزرگ است و تأمین منافع این گروه بر منافع همه اقشار و گروه‌های دیگر اولویت دارد. ضمن این‌که در این نظام، بخش زیادی از سرمایه‌های کلان فقط بین قدرتمندان دست به دست می‌شود و اقشار ضعیف نه فقط از دسترسی به ثروت‌های کلان محروم هستند، بلکه بسیاری از حقوق آن‌ها نیز مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد.

رهبران این نظام مدعی هستند که اگر منافع سرمایه‌داران تأمین شود، دیگران نیز به تبع آن‌ها به آزادی، امنیت و رفاه خواهند رسید و کالاهای ارزان و خدمات اجتماعی فراوان در دسترس‌شان قرار خواهد گرفت. نظام سرمایه‌داری حتی در تلاش است تا این شعار خود یعنی «رفاه دیگران به تبع منافع سرمایه‌داران» را نه در حد یک کشور، بلکه در سطح جهان پیاده کند. لذا نهضت «جهانی شدن» به راه انداخته است تا الگوی سرمایه‌داری را در همه نقاط دنیا اجرا کرده و حاکمیت شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی را بر بازارهای جهانی تثبیت نماید تا پس از تأمین منافع سرمایه‌داران در مقیاس جهانی، بقیه مردم دنیا نیز به نان و نوایی برسند و از برکات این نظام بهره‌مند شوند.

در نظام سرمایه‌داری چند نهاد بزرگ وجود دارند که ارکان اصلی این نظام را تشکیل می‌دهند. این نهادها عبارتند از: بانک، بیمه، بورس، شرکت‌های چند ملیتی و فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای. این نهادها هر یک با جمع ثروت‌های بسیار کلان به وجود آمده و سپس با تکیه بر معادلات حاکم بر نظام سرمایه‌داری، به‌ویژه «قانون ربا» و ارزشی که برای «تمرکز سرمایه» قائل هستند، رو به توسعه و پیشرفت گذاشته‌اند. ذخیره‌های مالی این نهادهای بزرگ، امروزه به حدی افزایش یافته است که در برخی موارد از بودجه سالانه چند کشور کوچک هم بیش‌تر است.

بررسی دقیق نحوه عملکرد هر یک از این نهادها در نظام سرمایه‌داری به فرصت بیش‌تری نیاز دارد؛ اما همین اندازه روشن است که این چند نهاد در کنار یکدیگر زنجیره حاکمیت صاحبان ثروت و قدرت بر جامعه را به خوبی تثبیت کرده و چهره واقعی نظام سرمایه‌داری را به نمایش می‌گذارند.

قدرت و سلطه این زنجیره بر اقتصاد و حتی بخش‌های سیاسی و فرهنگی جامعه، چنان عمیق و گسترده است که هیچ شخص یا نهاد دیگری امکان ورود به این زنجیره حاکمیتی را ندارد.



ارکان نظام سرمایه‌داری

۱،۱،۳. انگیزه اولیه از تشکیل بیمه: تضمین امنیت سرمایه‌های کلان: در نظام سرمایه‌داری، هدف اولیه از تشکیل بیمه، تضمین امنیت سرمایه‌های کلان بوده است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد سرمایه‌های کلان در این نظام از ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند. لذا فعالیت این سرمایه‌ها در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی باید در فضایی مطمئن و خالی از ریسک خطر بالا صورت گیرد. انگیزه اولیه از تشکیل بیمه، تحقق همین امر، یعنی تضمین امنیت سرمایه‌های کلان بوده است. برای مثال؛ تا زمانی که حمل‌ونقل کالا در دریاها به وسیله قایق‌های کوچک صورت می‌گرفت، نیاز چندانی به بیمه احساس نمی‌شد. چون غرق شدن یک یا چند قایق خسارت مالی سنگینی به شمار نمی‌آمد؛ ولی از وقتی کشتی‌های غول‌پیکر با محموله‌های چندصد هزار تنی وارد اقیانوس‌ها شدند، نیاز به مسأله‌ای به نام بیمه کاملاً احساس شد. چون نظام سرمایه‌داری نمی‌تواند چنین سرمایه‌های کلانی را بدون هیچ‌گونه تضمین در وسط دریا رها کند.

شبهه همین مسأله در فعالیت کارگاه‌های کوچک و کارخانه‌های بزرگ وجود دارد. یک کارگاه کوچک بدون تضمین هم می‌تواند کار کند؛ اما یک کارخانه بزرگ نباید در معرض خطراتی چون سرقت و آتش‌سوزی قرار گیرد. اساساً سرمایه‌های کلان در همه جا محترم هستند و نباید بدون تضمین کافی فعالیت کنند. لذا بیمه تشکیل شده تا از این سرمایه‌ها حفاظت کند.

۱،۱،۴. نحوه عملکرد بیمه: تکیه به سرمایه‌های انبوه: نکته دیگری که پیوند عمیق و تفکیک‌ناپذیر نهاد بیمه با نظام سرمایه‌داری را نشان می‌دهد، نحوه عملکرد بیمه در نظام سرمایه‌داری است که همچون دیگر ارکان اصلی این نظام با تکیه بر سرمایه‌های بسیار کلان صورت می‌گیرد. در نظام سرمایه‌داری، ایجاد نهادهای مهم اقتصادی بدون داشتن سرمایه‌های کلان و زدوبند با قدرتمندان ممکن نیست. برای مثال؛ در این نظام، افراد عادی می‌توانند یک فروشگاه یا یک کارگاه کوچک ایجاد کنند؛ ولی ایجاد یک فروشگاه بزرگ زنجیره‌ای که صدها شعبه و هزاران کارمند دارد یا تأسیس یک بانک جدید که مورد قبول بانک مرکزی باشد، یا راه انداختن یک شرکت چند ملیتی که در سراسر دنیا شعبه داشته باشد، به آسانی امکان‌پذیر نیست. چون بودجه بسیار زیادی برای این کارها لازم است و بانک‌ها هم به راحتی چنین سرمایه‌هایی را در اختیار هر فردی قرار نمی‌دهند. به‌ویژه آن‌که در نظام سرمایه‌داری، ایجاد چنین نهادهایی به معنای ورود به جرگه صاحبان ثروت و عضویت در باشگاه قدرتمندان جامعه است. یعنی همان کسانی که از بیش‌ترین حق تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری در این نظام برخوردار هستند.

در چنین شرایطی وقتی صحبت از جایگاه شرکت بیمه در نظام سرمایه‌داری و نحوه عملکرد آن به میان می‌آید، روشن است که این امر با تکیه بر سرمایه‌های بسیار کلان و موافقت صاحبان قدرت و ثروت صورت می‌گیرد. در این‌جا ممکن است این سؤال پیش آید که آیا در نظام سرمایه‌داری تأسیس یک شرکت بیمه کوچک بدون همکاری با صاحبان قدرت و ثروت ممکن نیست؟

در پاسخ باید توجه داشت که اولاً قوانین این نظام، اجازه تأسیس چنین شرکت‌هایی را نمی‌دهد. زیرا سرمایه اولیه‌ای که برای تأسیس یک شرکت بیمه تعیین شده، آن قدر زیاد است که با مفهوم کوچک بودن آن در تعارض است. ثانیاً به فرض که یک شرکت بیمه کوچک و مستقل تأسیس شود، این شرکت کوچک چگونه می‌تواند با غول‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری رقابت کند و در فضایی که همه معادلات و قیمت‌ها توسط شرکت‌های بزرگ رقم می‌خورد، به فعالیت پردازد. برای مثال؛ شرکت بیمه «لوئیز لندن» که در سال ۱۶۸۸م تأسیس شده و هم‌اکنون با سرمایه‌ای بسیار کلان و با ۲۵۰۰ شعبه نمایندگی در سراسر جهان فعالیت می‌کند، یکی از غول‌های صنعت بیمه دریایی است. اهمیت این شرکت بیمه تا آن‌جا است که سایر شرکت‌ها بیمه دریایی، خود را در قبال حوادثی چون بدهکاری و ورشکستگی نزد این شرکت، بیمه می‌کنند. حال آیا یک شرکت بیمه کوچک یا نوپا می‌تواند با این شرکت رقابت کند و برخی از مشتری‌های آن را جذب نماید یا چنین چیزی اصلاً امکان‌پذیر نیست؟

بی‌شک یک شرکت بیمه کوچک نمی‌تواند با یک غول بزرگ اقتصادی که در همه نهادهای قانونی و حاکمیتی نفوذ دارد و چندین مرکز تحقیقاتی و شبکه ماهواره‌ای در اختیار او است، رقابت کند. لذا همان‌گونه که در جوامع غربی مشاهده می‌کنیم همه همت یک بنگاه کوچک اقتصادی آن است که نمایندگی یک شرکت بزرگ و معتبر را به دست آورد و تابلو آن را بر سر دفتر خود نصب کند تا از این طریق تا حدودی در جامعه کسب اعتبار نماید.

یکی از صاحب‌نظران اقتصادی درباره اهمیت تجمع و تمرکز ثروت در نظام سرمایه‌داری و نیز نقش ضمانتی بیمه برای سرمایه‌های کلان می‌گوید: «علت گسترش اقتصاد در دنیا، همین بحث بورس و شرکت است. وقتی می‌خواهیم سرمایه‌گذاری بزرگ انجام دهیم، یک نفر و یا دو نفر که نمی‌توانند. انجام کارهای حجیم، بدون بانک و بورس امکان نداشت؛ نمی‌شد این پول‌ها را جمع کرد. لذا باید راه‌حلی پیدا می‌کردند که مردم را ترغیب کنند که پول‌ها را جمع کنند تا پول‌ها به عنوان یک سرمایه‌گذاری بسیار بزرگ جمع شود. مردم انتظار سود داشتند، راه‌های مختلفی بود که یکی بانک است. اگر پول من و شما نرود، آن‌جا بانک به کسی نمی‌تواند وام دهد. این یک شیوه علمی تجربه شده است. ریاضیات متناسب با خودش نیز شکل گرفته است؛ یعنی قانون اعداد بزرگ آمده است برای این‌که همین را درست کند. این کارهای اقتصادی امنیت می‌خواسته است. لذا بیمه‌ها به میدان آمدند؛ لذا همه را بیمه می‌کنند تا اگر خسارتی به احدی وارد شود، به او بدهند. این کار هنرمندانه علمی است. بیمه یک کار کاملاً علمی و سنگین است. این بیمه و بانک باعث شده است که پول‌ها جمع شوند و نیازهای دیگر کشور را حل کنند. بورس نیز همچنین است. هم توزیع درآمد می‌کرده و همچنین کارهای بزرگی که قصد انجام داشته، به انجام رسانده است. با این پول‌ها شرکت درست می‌کنند و فایده‌اش این است که افرادی که پول را در آن شرکت‌ها گذاشته‌اند، سهم دارند و سود آن را نیز سهام می‌شوند. مدیر عامل تعیین می‌کنند و در سود شریک می‌شوند. انسانی که ده هزار تومان داشته است و نمی‌توانسته کاری انجام دهد، ولی با این کار در یک شرکت بزرگ سهام می‌شود. این کارها پانک نظام سرمایه‌داری به نظام مارکسیستی بود. درآمدهای شرکت‌ها را میان عموم مردم پخش کردند. لذا خیلی از مردم نیز راضی شدند. شهرها و متروها را با همین سیستم می‌سازند» (رضایی، ۱۳۹۶). توجه به این نکته که بیمه مولود نظام سرمایه‌داری است و برای حل مشکلات سرمایه‌داران بزرگ در این نظام پدید آمده است، ما را ملزم می‌کند که درباره مشروعیت و کارآمدی بیمه در نظام

اسلامی دقت نظر بیش تری به عمل آوریم. اگر اهداف نظام اسلامی با نظام سرمایه‌داری متفاوت است و اگر سبک زندگی دینی با سبک زندگی غربی فرق می‌کند، معلوم نیست که نظام اسلامی نیز مانند نظام‌های مادی غرب به این شکل گسترده از صنعت بیمه برای اداره جامعه و حمایت از محرومان استفاده کند؛ بلکه با جدیت می‌توان گفت که در آن مسیری که پیامبران برای زندگی بشر ترسیم کرده‌اند، صنعت بیمه به این شکل جایگاهی ندارد.

## ۱،۲. تعارض با عدالت اجتماعی

در نگاه کلان به موضوعات اجتماعی، دومین نکته‌ای که برای شناخت هر موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد، رابطه آن موضوع با عدالت اجتماعی و نحوه توزیع درآمدها در جامعه است. در این رابطه نیز چون بیمه یک رکن نظام سرمایه‌داری است با عدالت اجتماعی در تعارض است و فاصله طبقاتی اقشار ضعیف و قوی را بیش تر می‌کند. این تعارض هم در سطح خرد و هم در سطح کلان به خوبی قابل مشاهده است.

در سطح خرد، بی‌عدالتی را در نحوه تنظیم قراردادهای بیمه می‌توان لحاظ کرد. قراردادهای بیمه به گونه‌ای است که در بیش تر موارد (حدود ۹۵ درصد) یک جانبه و به نفع شرکت‌های بیمه است و هیچ منفعتی را نصیب بیمه‌گزاران نمی‌کند. هرچند که به ظاهر دل بیمه‌گزاران از این قرارداد خوش بوده و از آن رضایت دارند؛ اما در واقع این یک دلخوشی پوچ و بی‌فایده است. چون بیمه‌گزاران در قبال حق بیمه‌ای که می‌پردازند، هیچ چیز مفید و واقعی به دست نمی‌آورند. به تعبیر سیاستمداران، قراردادهای بیمه در بیش تر موارد یک معامله برد - باخت است که به سود شرکت‌های بیمه و زیان مشتری‌ها تمام می‌شود. این در حالی است که در عقود اسلامی، همه قراردادهای مصداقی از معامله برد - برد هستند و برای طرفین قرارداد، سود و امتیازات واقعی به همراه دارند. به‌عنوان مثال؛ در عقد بیع، اگر بائع دارای حقوق و امتیازاتی است، مشتری هم حقوق و امتیازاتی دارد یا در عقد اجاره، اگر برای اجیر منافع و مسئولیت‌های خاصی در نظر گرفته شده است، موجر نیز دارای منافع و مسئولیت‌های متقابلی است. به عبارت دیگر، عقد بیمه، مصداق «تجاره عن تراض» نیست. چون تجاره عن تراض وقتی محقق می‌شود که دو طرف معامله قدرت اعمال نظر داشته باشند. در معامله‌ای که همه ضوابط و شرایط به نحو یک طرفه از سوی شرکت بیمه ابلاغ و اجرا می‌شود و بیمه‌گذار فقط باید دست بسته بپذیرد و امضا کند، تجاره عن تراض صورت نگرفته است. لذا به صورت طبیعی در چنین معامله‌ای فقط منافع

یک طرف قرارداد تأمین می‌شود و طرف دیگر اگر متحمل ضرر هم شود، جز پذیرش راه دیگری ندارد.

تعارض بیمه با عدالت اجتماعی در سطح کلان هم به روشنی قابل درک است. بیمه در سطح کلان حامی جدی سرمایه‌داران بزرگ است و با ایجاد ضمانت‌های لازم، قدرت مانور این غول‌های اقتصادی در حوزه‌ها و شرایط مختلف اجتماعی را بالا می‌برد. به همین دلیل تا زمانی که بیمه هست، هیچ امیدی به کاهش شکاف طبقاتی در جامعه نیست. چون قدرتمندان با حمایت شرکت‌های بیمه، به راحتی از خطرات و آسیب‌ها عبور کرده و روز به روز قوی‌تر می‌شوند.

از سوی دیگر، حق بیمه‌ای که اقشار محروم جامعه به شرکت‌های بیمه می‌پردازند، بسیار زیاد است. فقط در یک قرارداد با شرکت‌های بیمه، معادل یک‌سوم حقوق همه کارگران و کارمندان کشور بابت بیمه درمان و بازنشستگی به حساب شرکت بیمه واریز می‌شود.<sup>۱</sup> اما دریافتی‌های شرکت‌های بیمه از مردم فقط از طریق این قرارداد نیست؛ بلکه ده‌ها نوع قرارداد بیمه‌ای دیگر نیز وجود دارد که مردم در قالب آن‌ها به شرکت‌های بیمه پول می‌پردازند. یک نمونه دیگر آن بیمه خودرو است. در کشور ما هم‌اکنون نزدیک به ۲۲ میلیون خودرو فعال وجود دارد که صاحبان آن‌ها هر سال مبالغ زیادی را به شرکت‌های بیمه می‌پردازند. پرداختی این خودروها در سال ۱۳۹۹ از مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار تومان (خودروی کمتر از چهار سیلندر) شروع شده و تا ده میلیون و ششصد هزار تومان (بیمه اتوبوس) افزایش می‌یابد. ضمناً پیش‌بینی شده است که تعداد این خودروها به زودی به ۵۰ میلیون عدد برسد. هرچند مجموع مبالغ پرداختی مردم به شرکت‌های بیمه به آسانی قابل محاسبه نیست؛ ولی حتماً مبلغ بسیار بزرگ و خیره‌کننده‌ای است که با عدالت اجتماعی به شدت در تعارض است.

امروزه مراکز تحقیقاتی بیمه در حال گسترش قراردادهای بیمه و معرفی انواع و اقسام جدیدتری از بیمه‌ها هستند و این امر را در معنای گسترش انواع بیمه‌ها، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند؛ اما همان‌گونه که اشاره شد، گسترش انواع بیمه‌ها

---

۱. طبق ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی حق بیمه هر فرد حقوق بگیر معادل ۳۰ درصد حقوق اوست که ۲۳ آن را کارفرما و ۷ درصد را خود فرد می‌پردازد.

نتیجه‌ای جز خالی‌تر شدن جیب کارگران و کارمندان و افزایش سود شرکت‌های بیمه ندارد.<sup>۱</sup> متأسفانه این مسأله، یعنی مجموع پرداختی مردم به شرکت‌های بیمه و ضربه مهلکی که این امر به عدالت اجتماعی می‌زند، هم‌اینک مورد غفلت صاحب‌نظران قرار گرفته است.

### ۱,۳. تضعیف ارزش‌های اخلاقی

سومین معیار ارزیابی موضوعات مهم اجتماعی، ملاحظه تأثیرات گسترده آن‌ها بر امور اخلاقی است. صنعت بیمه از این لحاظ نیز عملکرد نامطلوبی دارد و فضایل اخلاقی را به شدت تضعیف و ردایل اخلاقی را تقویت می‌کند. همان‌گونه که می‌دانیم پایه فعالیت صنعت بیمه بر «ترس» و «ناتوانی» انسان‌ها استوار شده و به مرور زمان این دو رذیله اخلاقی را در جامعه گسترش می‌دهد. چون ریشه پیدایش بیمه به این تصور بازمی‌گردد که انسان‌ها از مدیریت و ضیعت معیشتی خود ناتوان بوده و قدرت مقابله با حوادث احتمالی را ندارند. لذا باید آن‌ها را از بروز خطرات احتمالی ترسانید تا آن‌ها برای مقابله با این ترس و رفع آن ناتوانی به سراغ شرکت‌های بیمه بیایند و خود را تحت پوشش این چتر حمایت و امنیتی قرار دهند. به عبارت دیگر، بیمه در نظام سرمایه‌داری، مدیریت حس ترس و بیم انسان‌ها را برعهده دارد و با ترویج و تقویت این حس، دامنه فعالیت خود را توسعه می‌دهد. همان‌گونه که بانک در این نظام، مدیریت امید و آرزوها را برعهده دارد و همواره چنین القا می‌کند که در صورت همکاری با بانک و گرفتن وام از آن می‌توانید به همه آرزوهای خود دست یابید و استفاده از لذت‌های جدید را تجربه کنید.

البته شاید ابتدا قبول این مسأله دشوار باشد که نظام سرمایه‌داری با انگشت نهادن بر روحیات و اخلاق انسان‌ها، آن‌ها را به سلطه می‌کشد و جیب آن‌ها را خالی می‌کند؛ ولی این یک واقعیت است که در طول تاریخ سابقه دارد. اساساً طاغوت‌ها و مستکبران همیشه با ترساندن مردم بر آن‌ها حکومت کرده و اموال و منافع‌شان را به غارت برده‌اند. نمونه روشن آن فرعون است که با تحقیر کردن مردم و انگشت نهادن بر روحیه ترس و ذلت‌پذیری قوم خود، آن‌ها را به بردگی گرفته بود. قرآن کریم عملکرد فرعون را این‌گونه توضیح می‌دهد: «فاستخف قومه فاطعه» (زخرف: ۵۴).

۱. هم اکنون وقتی شما از مغازه محل یک سطل ماست می‌خرید چندین نوع بیمه در هزینه این سطل ماست وجود دارد: بیمه شخص فروشنده، بیمه ساختمان مغازه و بیمه انشعابات آب و برق و گاز و تلفن آن، بیمه خودروی حمل ماست، بیمه کارگاه تولید سطل و کارگاه تولید ماست، بیمه گاو شیرده و بیمه صاحب دام و ...



یعنی قوم خود را خفیف و ذلیل کرد؛ در نتیجه از او اطاعت کردند. همچنان که قارون با تکیه بر روحیه حرص و دنیاطلبی برخی از مردم بر آن‌ها فخرفروشی می‌کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فخرج علی قومه فی زینته قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یا لیت لنا مثل ما اوتی قارون انه لذو حظ عظیم» (قصص: ۷۹). یعنی (روزی قارون) با تمام تجمل خود در میان قومش ظاهر شد. (با دیدن این صحنه) آنان که خواهان زندگانی دنیا بودند (آهی کشیده و) گفتند: ای کاش! مثل آنچه به قارون داده شده، برای ما نیز بود. به راستی که او بهره بزرگی (از نعمت‌ها) دارد.

متأسفانه مسأله اخلاق و نحوه گسترش فضایل یا رذایل اخلاقی، مدت زمانی است که در جامعه ما اهمیت خود را از دست داده است. در غیر این صورت، همه می‌دانند که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، مردم ایران تحت تأثیر روحیات و اندیشه‌های امام خمینی (ره) چنان اخلاق متعالی و ارزشمندی پیدا کرده بودند که جان و مال خود را به راحتی در راه خدا ایثار می‌کردند و مهم‌ترین دغدغه‌های آن‌ها رسیدگی به محرومان و پیشبرد اهداف انقلاب و گسترش ارزش‌های اسلامی بود؛ ولی امروزه تحت تأثیر عملکرد بانک‌ها چنان روحیه سودجویانه‌ای در مردم پدید آمده است که در هر معامله‌ای حساب مدت زمانی را که پول‌شان با تأخیر پرداخت شود، می‌کنند و توقع پرداخت اضافی از طرف معامله دارند.

به هر حال، بیمه حس ترس و ناتوانی به عموم مردم القا می‌کند تا همه خود را نیازمند حمایت و دستگیری شرکت‌های بیمه بدانند و در این راه از نان شب خود بگذرند و حق بیمه بپردازند تا مطمئن شوند که در زمان پیری و از کار افتادگی سرمایه‌دارانی هستند که آن‌ها را تحت پوشش حمایتی خود قرار دهند.

براساس این سه معیاری که گفته شد، بیمه از یک سو زمینه حاکمیت بیش‌تر نظام سرمایه‌داری بر جهان را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، به عدالت اجتماعی و توازن درآمدها در جامعه آسیب می‌زند و از سوی سوم، رذایل اخلاقی را در جامعه گسترش می‌دهد و از این طریق زمینه‌های سلطه چند شرکت بزرگ بر جان و مال مردم را فراهم می‌آورد.

### بخش سوم: طرح جایگزین بیمه در اسلام

برای آشنایی با طرح جایگزین بیمه در اسلام به مطالعه بیش‌تر منابع دینی و بررسی دقیق‌تر دیدگاه‌های بزرگان نیاز است. اما در این رابطه چند نکته به نظر می‌رسد:

۱. در اسلام «کرامت انسان» یک مسأله مهم و اساسی است: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر» (اسراء: ۷۰). لذا اگر بیمه و ضمانتی هم بخواهد صورت گیرد، باید در راستای «حفظ کرامت انسانها» باشد. در یک ساختار اقتصادی مبتنی بر کرامت، هر فردی پس از ۳۰ سال کار کردن حتماً زندگی آبرومندانه‌ای خواهد داشت؛ به گونه‌ای که نه تنها محتاج کمک‌های نهادی چون بیمه نباشد، بلکه حتی می‌تواند از دیگران نیز دستگیری کند؛ اما ایجاد این نوع کرامت در هر ساختار اقتصادی ممکن نیست؛ بلکه تنها ساختاری می‌تواند این مهم را محقق سازد که در آن بخش عمده نیروی کار جامعه در اختیار دیگران نبوده و برای کارفرمایان کار نمی‌کند؛ بلکه آقای خود است و سود حاصل از دسترنجش به جیب خود او می‌رود.

البته ایجاد چنین ساختاری، که در آن بیش‌تر افراد برای خود کار کنند و آقای خود باشند و سود حاصل از کار به جیب خودشان برود، تا حدودی دشوار به نظر می‌رسد. چون امروزه همه ابزارها و بنگاه‌های تولیدی و توزیعی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در آن‌ها سرمایه‌های کلان و وام‌ها و اعتبارات بانکی حرف نخست را می‌زنند. لذا بخش عمده نیروی کار جامعه جز از طریق مزدوری و اجیر شدن راهی برای ورود به بازار کار ندارد. چون از اعتبار لازم برای دسترسی به منابع بزرگ قدرت و ثروت برخوردار نیست و حتی مدرک و تخصص لازم برای کار با ابزارهای پیچیده تولید را ندارد. ولی بهر حال، برای آگاهی از ساختار مطلوب اسلامی که در آن کرامت انسانی به بهترین وجه حفظ می‌شود، چاره‌ای جز توجه به این بحث و پررنگ کردن مسأله عدالت نیست. ضمن این‌که لازمه ایجاد قسط و عدل در بسیاری از موارد درگیر شدن با قدرتمندان متجاوز است. قرآن کریم پس از طرح بحث برپایی قسط به وسیله مردم، بلافاصله از نزول حدید برای جنگ و درگیری سخن می‌گوید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لقیوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه بأس شدید» (حدید: ۲۵). گویا جنگ و درگیری با متجاوزان، پیش‌شرط قطعی برپایی عدالت است.

به هر حال، بحث «ساختار اقتصادی مبتنی بر کرامت» مقدم بر طرح مسائلی چون بیمه است. چون در این ساختار، اصل اولیه این نیست که همه افراد حتماً نیازمند می‌شوند و باید تحت پوشش یک نهاد حمایتی مانند بیمه قرار گیرند؛ بلکه اصل بر توانمندی افراد و زمینه‌سازی برای حفظ کرامت آن‌ها است تا هر فردی پس از مدتی کار و فعالیت هم زندگی خودش به خوبی تأمین شده و هم به دنبال یاری رساندن به دیگران و ورود به فضای وقف و ایجاد نهادهای خیریه

باشد. البته در این ساختار نه تنها تولید آسان است؛ بلکه مصرف هم مدیریت شده است و از مسابقه در خرید کالاهای گران‌تر و حرصِ پایان‌ناپذیر و تجملات و تشریفات خبری نیست. به عبارت دیگر، حیات طیبه و زندگی توأم با آسایش و کرامت تنها از طریق توجه به قناعت - البته قناعت در مصرف، نه قناعت در تولید - تحقق می‌یابد. اگر بلای مصرف‌گرایی و خرید کالاهای لوکس و گران‌قیمت (مانند خودرو چندصد میلیون تومانی یا یخچال و تلویزیون چندده میلیون و...) به جان یک ملت افتاد، دیگر حفظ کرامت آن‌ها به سادگی ممکن نیست و یک فرد حتی پس از ۳۰ سال کار کردن هم نمی‌تواند زندگی متعادل و آبرومندانه‌ای داشته باشد. لذا حاکمیت بانک و بیمه بر اقتصاد و ذلت و بردگی عموم مردم در برابر سرمایه‌داران اجتناب‌ناپذیر است.

متأسفانه فُضلاً و محققان ما امروزه کمتر به بحث ساختارهای مطلوب اقتصادی می‌پردازند و دغدغه چندان‌ی به پیگیری مسأله قسط و عدل اجتماعی از خود نشان نمی‌دهند. گویا جز این ساختارهایی که نظام سرمایه‌داری ایجاد کرده است، راه و گزینه دیگری برای تنظیم امور جامعه وجود ندارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد نهادهایی چون بانک و بورس و بیمه در ذهن پژوهشگران از نوعی قداست برخوردار شده است که بدون وجود آن‌ها چرخ اقتصاد نمی‌چرخد و امور مردم سامان نمی‌یابد. حال آن‌که همه ما می‌دانیم که راه انبیا از این مسیر نمی‌گذرد و به جای این نهادها باید به فکر تقویت نهادهای دیگری چون نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر بود.

۲. افزون بر ایجاد ساختار مطلوب اقتصادی، اسلام راهکارهایی را نیز برای کمک مستقیم به محرومان طراحی کرده و چترهای حمایتی ویژه‌ای برای پشتیبانی از آن‌ها تدارک دیده است که در این قسمت به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

**الف.** نخستین برنامه حمایتی اسلام از افراد جامعه، جنبه اخلاقی و تربیتی دارد. به این معنا که به آن‌ها روحیه خودباوری و اعتماد به نفس می‌دهد و آن‌ها را تشویق می‌کند که با توکل بر خداوند سبحان و با عشق و امید، به کسب و کار بپردازند، از خود همت بلند نشان دهند، از موانع و مشکلات نهراسند و برای خود نظم و حساب و کتاب سالانه و بلکه ماهانه و روزانه (تقدیر معیشت) داشته باشند و تلاش کنند تا برای خود، خانواده و جامعه‌شان، مفید و پربرکت باشند.

داستان مرد فقیری را که برای کمک گرفتن از پیامبر گرامی اسلام (ص) خدمت ایشان رسید، در کتاب داستان راستان خوانده‌ایم. حضرت در پاسخ به او فرمودند: «من سئلتنا اعطیناه و من استغنی اغناه الله» (کافی، ۲: ۱۳۹). یعنی هرکس از ما چیزی بخواهد، به او می‌دهیم؛ ولی هرکس به دنبال بی‌نیازی باشد، خداوند او را بی‌نیاز خواهد کرد. لذا آن مرد تیشه‌ای تهیه کرد و به کار مشغول شد و از فقر نجات یافت. در واقع اسلام به دنبال القای روحیه خودباوری به افراد است و حس عدم وابستگی و روی پای خود ایستادن را در بین آن‌ها زنده می‌کند.

این برنامه تربیتی دقیقاً نقطه مقابل برنامه تربیتی نظام سرمایه‌داری است که به افراد حس ترس و ناتوانی را القا می‌کند و روحیه خودباوری و اعتماد به نفس را از آن‌ها می‌گیرد. چون نظام سرمایه‌داری معتقد است که مردم عادی نمی‌توانند زندگی خود را اداره کرده و با حوادث و مشکلات مقابله کنند. لذا حتماً باید تحت پوشش شرکت‌های بیمه قرار گیرند و بخش مهمی از درآمدهای خود را در اختیار این شرکت‌ها قرار دهند تا این شرکت‌ها برای آینده آن‌ها برنامه‌ریزی کنند. در واقع همان نظام برده‌داری یا ارباب و رعیتی قدیم در صنعت بیمه به شکلی بسیار مدرن و پیچیده‌تر تحقق می‌یابد. یعنی همه کارگران و کارمندان بخش مهمی از دسترنج خود را به این ارباب‌های جدید می‌دهند تا احیاناً در مواقع خطر از کمک‌های آن‌ها بهره‌مند شوند.

از نظر اسلام اگر قدرتمندان جامعه به بهانه‌های مختلفی چون بیمه و غیر آن، اموال مردم را از آن‌ها نگیرند، بیش از ۹۰ درصد مردم قدرت ایستادن بر روی پای خود را دارند. به‌عنوان مثال؛ اگر معادل ۳۰ درصد حقوق هر کارگر و کارمند که در طول ۳۰ سال از سوی خود فرد و کارفرمای او به شرکت بیمه پرداخت می‌شود، در اختیار خود آن کارگر یا کارمند قرار گیرد و شیوه صحیح سرمایه‌گذاری و پس‌انداز برای آینده به او آموزش داده شود، آینده‌اش به بهترین وجه تأمین شده و کرامتش حفظ می‌گردد. در واقع اصل این طرح که در پایان هر ماه معادل یک سوم حقوق هر کارگر و کارمندی به شرکت بیمه پرداخت شود، یک طرح فقرآور و محرومیت‌زا است و با کرامت انسانی و عدالت اجتماعی تعارض دارد.

اگر با قواعد فقه حکومتی به این نوع طرح‌ها نگرسته شود، هرگز نمی‌توان حکم به جواز چنین طرح‌هایی داد و سرنوشت معادل یک سوم حقوق تمام کارگران و کارمندان را به دست چند شرکت بیمه سپرد تا آن‌ها برای این همه انسان زحمت‌کش تصمیم بگیرند. بگذریم از این‌که

شرکت‌های بیمه بخش مهمی از آن دو سوم باقی‌مانده حقوق کارگران و کارمندان را نیز بابت دهه‌ها نوع بیمه دیگر از آن‌ها می‌گیرند و به این ترتیب با سوءاستفاده از نام زیبای بیمه، فقر و محرومیت را در گسترده‌ترین شکل آن به جامعه تحمیل می‌کنند.

پس نوع نگاه اسلام به برنامه‌های حمایتی با نوع نگاه سرمایه‌داری غرب کاملاً متفاوت است. در نظام سرمایه‌داری کلید همه مشکلات به دست سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ است. لذا هر فردی تلاش می‌کند زیر چتر حمایتی یکی از این شرکت‌ها قرار گیرد. در این نظام، بزرگ‌ترین افتخار هر مغازه یا کارگاه کوچک آن است که تابلوی تبلیغاتی یکی از شرکت‌های بزرگ را بر سر در خود نصب کند و به گونه‌ای شعبه یا نماینده آن شرکت به اصطلاح معتبر به شمار آید؛ اما در فرهنگ دینی، اجیر شدن برای دیگران مکروه است و پناه بردن به سرمایه‌داران به منظور رهایی از فقر، یک حرکت زشت و ناپسند به شمار می‌آید. لذا هر فرد باید به خدا توکل کند و به دنبال کار و تلاش و استقلال اقتصادی باشد. البته دولت نیز باید از طریق برپایی عدالت و ایجاد ساختارهای مناسب از مردم حمایت کرده و زمینه‌های حفظ کرامت آن‌ها را فراهم نماید.

ب. دومین برنامه حمایتی اسلام، تشکیل خانواده‌های پایدار و ایجاد روابط صمیمی بین اعضای خانواده است، به گونه‌ای که هریک از اعضای خانواده، پشتیبان دیگران بوده و در مواقع نیاز به یاری هم بشتابند. احکام مربوط به نفقه و حتی احکام ارث، نظام حقوقی مناسبی برای تشکیل این نوع خانواده‌ها فراهم می‌آورد. براساس این احکام در صورت محرومیت هریک از اعضای خانواده، یعنی پدر، مادر، پسر و دختر، بر دیگر اعضا لازم است که به او کمک کنند.

ج. سومین برنامه حمایتی اسلام، ایجاد روابط ویژه بین ارحام و بستگان، یا به عبارت دیگر، تشکیل یک خانواده بزرگ به نام قوم یا قبیله است. با ایجاد این روابط و حضور فرد در یک خانواده بزرگ، چتر حمایتی مناسبی بر سر او شکل می‌گیرد که در مواقع بروز خطر می‌تواند در پوشش آن قرار گیرد. از احکام شرعی خاصی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان به حکم «دیه عاقله» اشاره کرد که براساس آن هرگاه فردی مرتکب قتل غیرعمد شود، بر نزدیکان و خویشاوندان او واجب است که بدهی او (یعنی دیه مقتول) را پردازند.

د. چهارمین برنامه حمایتی اسلام، وجود احکام شرعی متعدد برای کمک به فقرا همچون خمس، زکات، کفارات، ردّ مظالم، وقف، نذر، قرض الحسنه و انواع صدقه‌ها و انقاقات است که در صورت اجرای دقیق این احکام دیگر نشانی از فقر و محرومیت در جامعه نخواهد ماند.

ه. آخرین برنامه حمایتی اسلام، وظایف و مسئولیت‌هایی است که برعهده حاکم اسلامی گذاشته شده است. حاکم اسلامی در برابر هر نوع فقر و محرومیت و تمامی اشخاص فقیر جامعه، حتی افرادی که در دورترین نقاط کشور اسلامی به سر می‌برند، مسؤول است و باید برای کمک به آن‌ها اقدام کند.

درواقع اگر همه برنامه‌های حمایتی اسلام اجرا شد و باز هم برخی افراد، محروم و نیازمند ماندند، نوبت به آخرین برنامه حمایتی اسلام می‌رسد که دخالت مستقیم شخص حاکم اسلامی و یا نمایندگان ویژه او برای حل این نوع مشکلات است.

برپایی قسط و عدل و ایجاد ساختارهای مناسب اقتصادی به منظور فراهم شدن زمینه کار و کسب درآمد برای همه؛	طرح جایگزین
القای حس خودباوری و تقویت روحیه توکل و اعتماد به نفس در مردم و کاهش احساس نیاز آن‌ها به کمک نهادهای حمایتی مانند بیمه؛	بیمه در فرهنگ اسلامی
ایجاد چترهای حمایتی متعدد از طریق تقویت نهادهایی چون: ۱. خانواده؛ ۲. اقوام و خویشان؛ ۳. قبیله؛ ۴. مساجد و نهادهایی چون خمس، زکات، وقف، صدقه و...؛ ۵. حاکم اسلامی.	

برخی صاحب‌نظران در بحث «طرح جایگزین بیمه در نظام اسلامی» به همین مسأله اشاره کرده‌اند.

برای مثال؛ یکی از محققان با اشاره به این‌که بودجه تأمین اسلامی از راه‌هایی چون: ۱- خمس ۲- زکات ۳- کفارات ۴- وقف ۵- نذورات ۶- ارث بلا وارث ۷- احسان و انفاق ۸- اطعام ۹- ایثار ۱۰- قرض الحسنه به دست می‌آید، امتیازات بیمه اسلامی بر بیمه اروپایی را این‌گونه شرح می‌دهد:

«۱. در بیمه‌های اروپایی، اگر اختیاری باشد، فقط کسی که حق بیمه پردازد از آن استفاده می‌کند و اگر اجباری باشد، غنی و فقیر باید حق بیمه پردازند. ولی در اسلام حق بیمه فقط از اغنیاء گرفت می‌شود.

۲. در بیمه‌های اروپایی، درآمدهای بیمه هم به فقرا داده می‌شود و هم به ثروتمندان، ولی در اسلام، وجوهات فقط صرف نیازمندان می‌شود.

۳. منافع و اضافات پول بیمه اروپایی به جیب عده‌ای سرمایه‌دار می‌شود؛ ولی در اسلام منافع و اضافات وجوهات در صندوق بیت‌المال ذخیره و یا صرف کارهای ضروری دیگر می‌شود.

۴. بیمه‌های اروپایی محدود هستند؛ ولی بیمه‌های اسلامی شامل همه کمبودها، خسارت‌ها و نیازها می‌شود و بلکه افراد نیازمند را تا سر حد بی‌نیازی تأمین می‌کند.

۵. بیمه یا تأمین اسلامی بر پایه ایمان و اخلاق استوار است. لذا در حدیث آمده است که مؤمن کسی است که مردم مال و جان خود را در برابر وی بیمه بدانند (المؤمن من ائتمنه الناس علی اموالهم و انفسهم) و در حدیث دیگر آمده است کسی که سیر بخوابد در حالی که همسایه‌اش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است» (بی‌زار شیرازی، همان: ۲۲۴).

استاد سید محمد خامنه‌ای نیز پس از بیان اشکالات فقهی و اقتصادی بیمه، طرح پیشنهادی خود در مورد تأمین اجتماعی اسلام را بر محور «زکات» ارائه می‌دهد و معتقد است که این حکم شرعی از ظرفیت لازم برای تحقق اهداف اجتماعی اسلام در راستای حمایت از محرومین برخوردار است: «مسأله زکات که متأسفانه نه در عرف مردم شناخته شده و نه در حوزه‌های علمیه از لحاظ شکل بیرونی‌اش مورد توجه قرار گرفته است، یک نوع بیمه یا تأمین اجتماعی است. اسلام با این احکام، درست بر روی تأمین اجتماعی دست گذاشته و کسانی را که حتی خودشان هم به فکر خودشان نیستند، تحت کفالت دولت قرار داده است. به اصطلاح در علم فقه می‌گویند امام مسؤول اداره افرادی است که مسؤول بالای سر ندارند «الامام ولی من لا ولی له». (خامنه‌ای، همان: ۶۳).

یکی دیگر از نویسندگان در این باره می‌نویسد: «اصل تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی از دو طریق صورت می‌گیرد: ۱. کفالت عمومی: براساس اصل کفالت عمومی بر همه مسلمانان واجب کفایی است که در حدّ توان خود نسبت به تأمین نیازمندی‌های ضروری برادران خود اقدام کنند.

۲. کفالت دولت: تأمین نیازهای ضروری محرومان برعهده حاکم اسلامی است. در قرآن کریم مسئولیت مستقیم ایجاد عدالت در میان مردم برعهده پیامبر اکرم (ص) نهاده شده است. «أمرت لأعدل بینکم». اساساً وظیفه ولی امر مسلمین، جمع‌آوری صدقات (زکات و...) و تقسیم و توزیع آن میان محرومان است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که پیامبر اکرم (ص) در خطبه‌ای فرمودند: «هر که افراد تحت تکفل خود را برجای گذارد، برعهده من است و هر که دینی به جای نهد بر عهده من است و هر که مالی (بدون ارث) باقی گذارد، من از آن استفاده می‌کنم (وسائل الشیعه، ۱۳: ۹۲). همچنین امام کاظم (ع) فرمودند: امام وارث کسی است که وارث ندارد و سرپرست کسی است

که چاره ندارد (همان، ۶: ۳۶۵). منابع این تأمین اجتماعی هم عبارتند از: زکات، خمس، کفارات مالی، فیه و انفال، انفاقات مستحبی، خراج، جزیه و غنایم جنگی» (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

بنابراین، اسلام طرح‌های ویژه‌ای برای حمایت از اقشار محروم دارد و این طرح‌ها را در قالب احکام و دستورات متعددی بیان کرده است. اما مهم آن است که پژوهشگران علوم دینی این طرح‌ها را از منابع غنی اسلامی استخراج کرده و به مدیران جامعه معرفی کنند تا مردم مانده تنها در عرصه مسائل فردی و نوع لباس و تغذیه و سبک زندگی خانوادگی از آفت تشبه به کفار دور باشند؛ بلکه الگوهای کلان مدیریتی آن‌ها نیز مختص به جوامع دینی و مبتنی بر عقاید و آرمان‌های خود آن‌ها شکل گیرد و علائم و نشانه‌های نظام فاسد سرمایه‌داری در آن به حداقل برسد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسائل مستحدثه‌ای که امروزه با آن‌ها روبه‌رو هستیم انواع و اقسام متعددی دارند. از جمله برخی از آن‌ها دامنه محدودی دارند و کمتر مورد ابتلا واقع می‌شوند؛ ولی برخی دیگر ابعاد گسترده‌ای دارند و تقریباً همه اقشار جامعه با آن روبه‌رو هستند. این دسته دوم از مسائل مستحدثه معمولاً از ابعاد و جوانب پیچیده‌ای برخوردار هستند. به همین دلیل در برخورد با این دسته از مسائل باید مطالعات موضوع‌شناسانه بیش‌تری صورت گیرد تا ابتدا ماهیت آن‌ها به خوبی روشن شود و سپس حکم فقهی درباره آن‌ها صادر گردد.

بیمه یکی از این نوع مسائل است که هم ابعاد و جوانب متعددی دارد و هم مورد ابتلای بیش‌تر اقشار جامعه است. در برخورد با این مسأله مستحدثه از دو زاویه خرد و کلان می‌توان به مطالعه پرداخت.

از زاویه خرد، بیمه یک قرارداد است که بین دو نفر منعقد می‌گردد. به همین دلیل در صورتی می‌توان آن را پذیرفت که از هماهنگی لازم با احکام و ضوابط شرعی برخوردار باشد. در همین رابطه برخی صاحب‌نظران معتقد هستند که به دلیل اجباری بودن و غرری بودن بیمه، این قرارداد یک قرارداد مورد پسند شارع نیست.

از زاویه کلان نیز بیمه به عنوان یک ایده برای حل برخی از مسائل کلی جامعه و طرحی برای کمک به اقشار آسیب‌پذیر مورد دقت قرار می‌گیرد. در این رابطه نیز برخی از اندیشمندان معتقد



هستند بیمه یک طرح ویژه نظام سرمایه‌داری برای حل چالش‌های این نظام و تثبیت پایه‌های آن است و در امر اداره جامعه اسلامی نمی‌تواند یک طرح مناسب به شمار آید. لذا باید تلاش کرد تا یک طرح جایگزین مبتنی بر مفاهیم و ارزش‌های دینی ارائه کرد و نظام حمایتی دیگری را طراحی نمود تا اهداف جامعه اسلامی برای کمک به محرومان را محقق نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- بهشتی، محمدحسین، (۱۳۵۹)، بیمه در اقتصاد اسلامی (چاپ شده در مجموعه سخنرانی‌ها در همایش بیمه)، تهران، انتشارات مدرسه عالی بیمه.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۵۹)، رساله نوین امام خمینی، تهران، مؤسسه انجام کتاب.
- پيله‌ور، مرضیه، (۱۳۸۹)، مبانی فقهی مشروعیت عقد بیمه، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۶.
- جمالی‌زاده، احمد، (۱۳۸۰)، بررسی فقهی عقد بیمه، قم، بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، درس خارج فقه، ۹۱/۲/۳۰.
- حکیم، سید محسن، (۱۳۵۳)، منهاج الصالحین، تهران، انتشارات لطفی.
- حلی، حسین، (۱۳۸۴)، بحوث فقهیه، بیروت، دارالزهرا.
- خامنه‌ای، سید محمد، (۱۳۵۹)، بیمه در اقتصاد اسلامی (چاپ شده در مجموعه سخنرانی‌های همایش بیمه)، تهران، انتشارات مدرسه عالی بیمه.
- خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۲)، توضیح المسائل، قم، انتشارات مهر.
- رضایی، مجید، (۱۳۹۶)، بررسی فقهی معاملات سهام در بورس اوراق بهادار، سلسله نشست‌های علمی مدرسه فقهی امام محمدباقر(ع)، جلسه ۳۱، ۹۶/۱۰/۶.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۸)، درس خارج فقه، ۸۸/۹/۹.
- سند، محمد، (۱۳۹۷)، گفت‌وگو با شبکه اینترنتی اجتهاد، تاریخ ۱۳۹۷/۸/۲۶.
- ظهیری، عباس، (۱۳۹۷)، مصاحبه با هفته‌نامه حریم امام، سال هفتم، شماره ۳۴۶.
- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۳)، جامع المسائل، قم، نشر امیر.
- کرمی محمد مهدی و محمد پورمند، (۱۳۸۹)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، اصول کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، بی‌نا.
- گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۱۳)، توضیح المسائل، قم، دارالقرآن الکریم.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، مسأله ربا و بانک به ضمیمه مسأله بیمه، تهران، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۹)، توضیح المسائل، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع).
- وحید خراسانی، حسین، (۱۴۲۱)، توضیح المسائل، قم، مدرسه باقرالعلوم(ع).
- وکیلی، محمدحسین، (۱۳۹۹)، علم دینی از چیستی تا چگونگی، مشهد، مؤسسه علوم و معارف اسلامی.
- یزدی، سید محمدکاظم، (۱۳۷۶)، سؤال و جواب (مجموعه استفتاءها)، تهران، مرکز علوم اسلامی.